



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۹

**انقلاب اسلامی**  
**رویکرد نوینی دارد و**  
**نظامات جدیدی ارائه**  
**می‌کند؛ بنابراین اگر**  
**بخواهیم ماهیت**  
**انقلاب اسلامی را**  
**درک کنیم، برخاسته**  
**از مقابله با زر و زور و**  
**تزویر است؛ یعنی اگر**  
**نظامات و سازوکارها**  
**و قوانین و مقرراتی بر**  
**اساس زر و زور و تزویر**  
**تنظیم شده باشد،**  
**انقلاب اسلامی با آن**  
**سازگاری ندارد.**

در فقر و ناداری و مشقت زندگی نکنند. جامعه به گونه‌ای نباشد که بخشی از افراد جامعه منزلت‌های اجتماعی بسیار بالا و بی‌حساب و کتاب داشته باشند و بخشی از افراد جامعه شأن انسانی‌شان رعایت نشود؛ یا برای مثال در حوزه فرهنگی، عقاید و باورهای انسانی و الهی، در جایگاه خودش قرار نگیرد و عقاید و باورهای حیوانی و پست و مبتذل بر جامعه حاکم باشد.

این امور به هر حال باید در داخل این نظامات به خوبی تنظیم شود و اداره‌کنندگان جامعه بر اساس این نظامات عمل کنند. این نظامات امروز در دنیا بر اساس فرهنگ و ارزش‌هایی طراحی شده و امور انسان‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که حتی انسان‌هایی که در کشورهای غربی هم زندگی می‌کنند، از این وضعیت رضایت لازم را ندارند؛ چرا که امور بر اساس نظاماتی است که با فطرت و طبیعت انسانی سازگاری ندارد. شاهد خیلی از مسائل و مشکلات اخلاقی امروز در جوامع هستیم که اسم تمدن را همراه خودشان دارند و به عنوان جوامع و کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شوند؛ وقتی که به این جوامع نگاه می‌کنیم، انسان‌ها از آرامش لازم برخوردار نیستند.

انقلاب اسلامی رویکرد نوینی دارد و نظامات جدیدی ارائه می‌کند؛ بنابراین اگر بخواهیم ماهیت انقلاب اسلامی را درک کنیم، برخاسته از مقابله با زر و زور و تزویر است؛ یعنی اگر نظامات و سازوکارها و قوانین و مقرراتی بر اساس زر و زور و تزویر تنظیم شده باشد، انقلاب اسلامی با آن سازگاری ندارد. انقلاب اسلامی مبتنی بر فهم انسان‌ها، آگاهی انسان‌ها، عدالت در جامعه، اخوت و همدلی و مواسات بین همه جوامع است بنابراین با زر و زور و تزویر مخالف است و در عرصه‌های مختلف خودش را نشان داده که چگونه دارد با این ویژگی فرهنگ و تمدن غربی و نظامات برخاسته از آن مقابله می‌کند. منطق انقلاب اسلامی، منطق قدرت نیست؛ یعنی قدرت آخرین حرف را نمی‌زند. اکنون در دنیا و تمدن غرب، قدرت آخرین حرف را می‌زند و قدرت هم به معنای صرفاً قدرت نظامی و تسلیحاتی نیست. وقتی قدرت گفتیم، یعنی اختیار تصمیم‌گیری؛ یعنی اختیار تصمیم‌گیری به مجامع و جایگاه‌هایی سپرده می‌شود که این دولت‌ها صلاحیت‌های فکری و اخلاقی لازم را ندارند، مصالح انسان‌های جامعه را درک نمی‌کنند و منبعث از وحی نمی‌توانند تصمیم بگیرند؛ منطقی که امروز در دنیا آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ و قدرت‌های اروپایی به تبع آن، به دنبال اعمال آن در جهان هستند. می‌گویند چون ما قدرت برتر نظامی و قدرت اقتصادی هستیم، باید تصمیم ما را بپذیرید؛ یعنی تصمیم‌گیری متمرکزی که پشتوانه‌اش را قدرت اقتصادی و نظامی قرار داده‌اند. وقتی جمهوری اسلامی را تحریم می‌کنند دارند از منطق قدرت حرف می‌زنند؛ یعنی می‌گویند چون ما منابع اقتصادی دنیا را به گونه‌ای در اختیار داریم، بر نظام بانکداری جهانی مسلط هستیم، پس باید به تصمیمی که ما می‌گیریم، عمل کنید؛ و پشت آن هم صهیونیسم بین‌الملل و جنایتکارانی هستند که بشریت و انسانیت برایشان موضوعیت ندارد و حاضرند از هر وسیله‌ای استفاده کنند و هر گونه تجاوز، زور و جنایت را انجام دهند تا تصمیماتشان را بر جهان حاکم کنند؛ بنابراین نظامات موجود که چه بسا خود ما هم تقلید و در کشورمان مستقر کردیم، بر منطق قدرت استوار هستند.

■ پرسش اینجاست که چه سازه‌ای قرار است جایگزین این «منطق قدرت» باشد؟

ما در مقابل باید خودمان را به «قدرت منطق» مجهز کنیم. انسان با قدرت منطق رشد می‌کند و به موجب همین قدرت منطق است که نظام ولایت شکل می‌گیرد. پیروی از امام با آگاهی، هوشیاری و درایت است، پس نظام امام و امت را بر منطق قدرت نمی‌توان

برای آن‌ها زندگی دنیایی و زندگی اخروی بسازد؛ بنابراین آن‌ها پیروی از یک انسان فاضل، عالم، انقلابی، مصلح و متقی چون امام را در دستور کارشان قرار دادند و پیروزی انقلاب اسلامی حاصل پیروی امت از امام بود. امامی که دشمن‌شناس بود، منافع ملی را می‌شناخت، عاشقانه ملت را دوست داشت و عالم به راه بود. امامی که علم خود را، دل خود را و ذهن خود را به خدا سپرده بود و در راه اصلاح امت و ملت خودش از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. بنابراین اصلی‌ترین دلیل پیروزی انقلاب اسلامی، پیروی امت از امام بود و استمرار انقلاب اسلامی هم در گرو همین اصل بی‌بدیل است. نظام جمهوری اسلامی در صورتی پایدار و منسجم خواهد بود و می‌تواند در دنیا به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش تلقی شود که این اصل اساسی پیروی امت از امام را به خوبی نشان دهد. الحمدلله تاکنون مردم ما در پیروی از این اصل آزمون‌های خوبی دادند ولی دولت‌های ما بعضاً در این آزمون به موفقیت نرسیدند. امیدواریم دولت کنونی، این اصل را به خوبی رعایت کند و موجبات استمرار و پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف را فراهم آورد.

#### ■ در مورد خود نظامات اداری چطور؟

انقلاب اسلامی اصولاً حرکتی است که در سازوکار و نظامات اداره امور جامعه تغییر ایجاد می‌کند. امروز دنیا، نظاماتی دارد و سازوکارهایی برای اداره جوامع و جهان مدنظرش است. سازمان ملل و شورای امنیتی درست کرده تا جهان را اداره کنند. همچنین سازمان‌های مختلفی در حوزه اقتصادی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایجاد کرده‌اند یا در نظامات اجتماعی، سازمان‌هایی مثل یونسکو و کمیسیون‌های تابعه را ایجاد کردند. در حوزه‌های فنی و علمی هم به ظاهر مجموعه‌هایی با عناوینی همچون خلع سلاح یا تدابیری نظیر آن ایجاد کرده‌اند که این نظامات امروز در جهان حاکم است. انقلاب اسلامی اما به دنبال این است چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، تحول ایجاد کند؛ بنابراین رهبری انقلاب اسلامی برای استمرار این انقلاب، تحول در این نظامات و سازوکارهای جامعه را مدنظر قرار داده و این تحول هم مبتنی بر معارف دینی است که رهبری انقلاب از قرآن و سنت استنباط کرده‌اند.

بنابراین برای استمرار انقلاب اسلامی باید در این نظامات و سازوکارها تغییر ایجاد شود؛ البته به موازات تغییر در این نظامات و سازوکارها، تحول و تغییر در انسان‌هایی که در این نظامات و براساس این سازوکارها هم عمل می‌کنند، ایجاد می‌شود؛ این دو لازم و ملزوم همدیگر هستند.

#### ■ به طور مشخص، این نظامات چه حوزه‌هایی را در برمی‌گیرند و چه تغییراتی باید در آن‌ها اعمال شود؟

ما چهار نظام را می‌توانیم مدنظر قرار دهیم: نظام فرهنگی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام اجتماعی؛ این نظامات هستند که امور مردم و جامعه را تنظیم می‌کنند. نظام اقتصادی بحث تولید، توزیع و مصرف و نیازهای افراد یک جامعه را در ارتباط با طبیعت تنظیم می‌کند. نظام سیاسی ارتباط قدرت را در سلسله مراتب آن، نظام اجتماعی ارتباط انسان‌ها با همدیگر را و نظام فرهنگی هم رابطه انسان‌ها را با خود و خدا تنظیم می‌کند. مهم این است که این نظامات چگونه و بر چه اساسی باید شکل بگیرند تا این تنظیم امور در جامعه به گونه‌ای باشد که دست‌کم نیازهای همه انسان‌ها به صورت جامع و متعادل تأمین شود. نتیجه این تنظیم‌گری باید این باشد که در یک جامعه، قشری از آن، آن قدر ثروت نداشته باشند که ندانند چه باید بکنند و از آن طرف هم بخشی از جامعه